

دولت، رسماً وارد بازار ارز شد

نرخ دولتی ارز آزاد هر دلار معادل صد تومان اعلام شد



دوشنبه ۲۴ مهر ماه ۱۳۸۶ برابر با ۱۶ اکتبر ۱۹۸۹
بها ۶ ریال سال ششم شماره ۲۷۹

مدیرعامل بانک تجارت در ارتباط با فروش "ارز رقابتی" اعلام کرد که هدف از این اقدام کاهش ارزش ارز در بازار سیاه بوده و ارزش این ارز شناور خواهد بود و محدودیتی در خرید آن وجود ندارد. وی نرخ ارز رقابتی را در مورد دلار یک هزار ریال اعلام کرد. نرخ دلار در هفته‌های گذشته به مبلغی در حدود یکصد و سی تومان رسیده بود.

به دنبال مصاحبه هاشمی رفسنجانی رئیس حکومت اسلامی در روز یکشنبه ۱۶ مهرماه که طی آن سیاستهای اقتصادی رژیم در طی برنامه ۵ ساله آینده تشریح شد، از سوی بانک تجارت اعلام شد که دولت خود را سابه فروش ارز اقدام خواهد کرد. بر اساس تصمیم جدید دولت، فروش "ارز آزاد" تحت عنوان "ارز رقابتی" توسط بانک تجارت حکومت آزاد اعلام شد.

هاشمی رفسنجانی در مصاحبه روز یکشنبه خود تاکید کرده بود که رژیم در صدد از بین بردن اختلاف بین انواع ارزهای باشد. رئیس جمهوری اسلامی در مصاحبه خود اعلام کرد که به صنایع "ارز ترجیحی" داده خواهد شد. رفسنجانی بر ضرورت اخذ وام از خارج از کشور به عنوان یکی از منابع مهم تأمین ارز باجملات پوشیده تاکید کرد. مدیرعامل بانک تجارت در توضیح تصمیمات دولت اعلام کرد که با ارائه ارز به شیوه مزبور مقررات دست و پاگیر در هر ضلع حذف می‌گردد و افراد می‌توانند در کمترین زمان بدون محدودیت به مراکزی که دولت اعلام کرده است مراجعه و ارز مورد نیاز خود را دریافت دارند. وی افزوده است که تعداد مراکز هر ضلع ارز فعلاً سه واحد است که در صورت لزوم به سه برابر افزایش خواهد یافت. شکستن قیمت ارز و بازار ارز توسط دولت مبارزه دولت با گرانفروشی و تورم را یادآور است. رژیم به اعلام قیمت رسمی کالاها در حد اندکی کمتر از بازار آزاد به تثبیت قیمت‌های بقیه در صفحه ۲

تشدید جنگ بر سر رابطه علی با آمریکا

۱۴۶ تن از نمایندگان مجلس رفسنجانی را به موضع‌گیری علی علیه آمریکا فراخواندند

روند تجدید روابط با آمریکا مانع ایجاد شود. نامه ۱۴۶ تن از نمایندگان مجلس رژیم ایران با نامه ۱۸۶ تن از نمایندگان کنگره آمریکا قابل قیاس است. نمایندگان کنگره آمریکا در نامه خود با ابراز ناامیدی از "جناح میانه‌رو" و نشان دادند شلاق سیاست سرنوینی و اکثریت میانه‌رو، در حقیقت "جناح میانه‌رو" را به شتاب در سیاستهای خود تزامنی خواند و نمایندگان مجلس آخوندی با نامه خود به کند کردن این روند می‌اندیشند. اینکه در کوتاه مدت، ۱۸۶ تن موفق‌تر ندیای ۱۴۶ نفر، هنوز روشن نیست.

با هلنی‌تر شدن سیاست‌های اقتصادی هاشمی رفسنجانی در زمینه اتکا به منابع خارجی و راستاهای سیاست خارجی دولت او، تقابل جناح "خط امامی" رژیم و با برنامه‌های او اشکال هلنی‌تری به خود می‌گیرد. روز سه‌شنبه ۱۸ مهرماه ۱۴۶ نفر از نمایندگان مجلس طی نامه‌ای به رئیس جمهور خواستند که از سوی دولت در روز ۱۳ آبان برنامه‌های ویژه‌ای به اجرا درآید. روز ۱۳ آبان سالگرد اشغال سفارت خانه آمریکا توسط دانشجویان "خط امام" است. انتشار این نامه توسط ۱۴۶ تن از نمایندگان مجلس در حقیقت اعمال فشار آشکاری است بر رفسنجانی که تمایل او به تجدید ارتباط همه جانبه با آمریکا همه جا طرح شده است. این نمایندگان می‌خواهند او را در موقعیتی قرار دهند که یا تمایل خود را هلنا ابراز دارد تا به عنوان انحراف از خط امام مورد حمله‌اش قرار دهند و یا اینکه کماکان به گرفتن ژست‌های ضد آمریکایی ادامه دهد تا در مقابل

اعتصاب یازده هزار تن کارکنان کشت و صنعت کارون

در صفحه ۴

در این شماره

* کنگره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان

در صفحه ۱۲

* یونان در آستانه انتخابات پارلمان

در صفحه ۱۲

* درباره رویدادها در جمهوری دمکراتیک آلمان

در صفحه ۱۲

* چشم‌انداز قطع مداخله خارجی در افغانستان

در صفحه ۱۰

ارگان‌سازی برای رفع بن‌بست

* اعضای "مجمع تشخیص مصلحت" بر گمارده شدند

برگزیده شده‌اند. ضمناً مقرر گردید در نشستهای "مجمع" یک عضو کمیسیون مجلس و وزیر مربوط به موضوع مورد بحث شرکت داشته باشند. "مجمع تشخیص مصلحت نظام" که بر اساس تغییرات جدید در قانون اساسی بصورت یک نهاد رسمی درآمده است در جریان اختلافات شدید میان نمایندگان مجلس و فقه‌ای شورای نگهبان بر سر لوایح تصویب شده در مجلس به فرمان خمینی تشکیل شد تا ضمن بقیه در صفحه ۲

فائده‌ای در مقام رهبر حکومت اسلامی طی نامه‌ای به رفسنجانی در روز چهارشنبه ۱۲ مهرماه اعضای جدید "مجمع تشخیص مصلحت نظام" را معرفی کرد. بر اساس حکم "رهبر" جدید علاوه بر معرفی اعضای فقه‌ای شورای نگهبان و روسای سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه سید احمد خمینی، مهدوی کنی، میر حسین موسوی، یوسف صانعی، موحدی کرمانی، حسن صانعی، محمدرضا توسلی، عبدالله نوری و موسوی خوئینی‌ها به عنوان اعضای جدید "مجمع"

دولت رسمآورد بازار ارزشد

بقيه از صفحه اول

مهار
گسيخته مبادرت کرد. قيمت های
اهلام شد، سکوی جهش بعدی قرار
گرفت و همچنان سير صعودی خود
را پی گرفت. در مورد حل مساله
چند ترضی بودن ارز و قيمت بالای
بازار آزاد آن، نیز دولت به همین
طریق عمل می کند.

با تعیین نرخ ارز در حد هر دلار
صد تومان در حقيقت رژیم نرخ
برابری ارز با ریال را در این حد
رسمیت می بخشد. این امر
بلاواسطه بر افزایش قيمت برخی از
کالاهائی که تاکنون تاثیر پذیری
کمتری از نرخ ارز داشتند موثر
خواهد بود. از سوی دیگر ذخيره
ارزی و توان اقتصادی رژیم به هیچ
وجه در حدی نیست که بتواند بطور
ثابت و دراز مدت به فروش ارز در
حدی موثر ادامه دهد. فروش ارز
رقابتي تا مدتی قيمت ارز را کاهش
خواهد داد اما خود به سوی افزایش
و جهش بعدی آن تبدیل خواهد شد.
فولهای بازار ارز که در حکومت
نیز جای محکمی دارند همچون
کویری تشنه با اتکاب قدرت مالی و
هوامل خود ارز هر ضه شده را به
خود جذب کرده و در زمان مناسب
قدرتمندتر به فارت خواهند
پرداخت.

جدید نیز بن بست است، بن بستى
که انعکاس بحران جامعه و هجز
حکومت است. در حکومت ملایان
میدان جنگ و قدرت دائما تغییر
می کند اما خود جنگ همواره پا
بر جا و پرطیش است. میدان های
جنگ در راس هرم حکومتی
پر شمارند: مجلس، شورای
نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت،
"شورای رهبری"، مجلس
خبرگان، شورای امنیت ملی،
شورای عالی و... تا مهر رژیم
باقی است بر شمار آن نیز افزوده
خواهد شد.

تبدیل شد و این خود، مجلس را در
برابر آن قرار داد. قانون نانوشته
در روابط اجرای رژیم جمهوری
اسلامی که هر ارگان و جمع تصمیم
گیرنده می بایست بوسیله شورای و
مجمع و ارگان جدیدی هدایت و
کنترل شود، بار دیگر مصداق
یافت. جمهوری اسلامی نظام
ارگان های موازی و تودرتو و
رقیب است. برای خارج کردن هر
ارگان از بن بست بلافاصله جمع
دیگری فراخوانده می شود. تعادل
نیروها در لحظه، ترکیب آن را
تعیین می کند. اما سر نوشت ارگان

سنت جمهوری

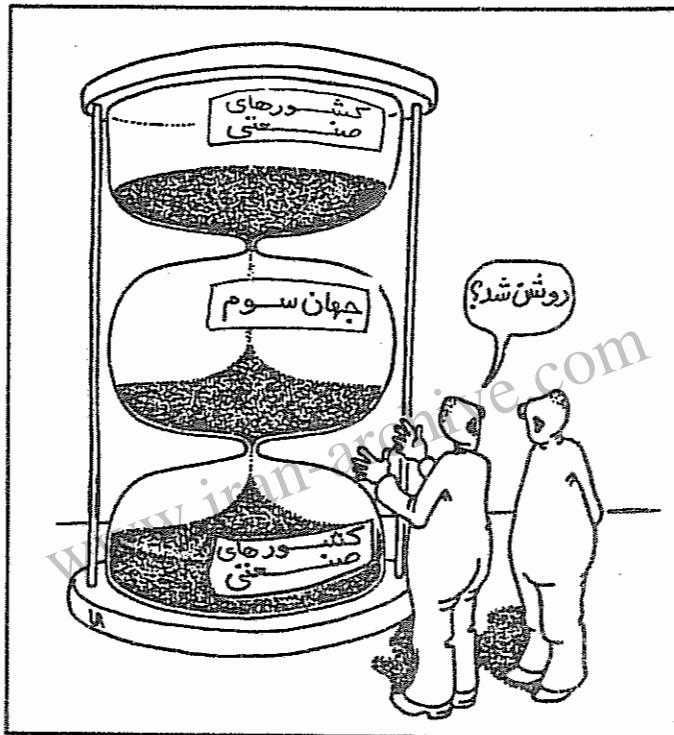
بقيه از صفحه اول

حل اختلافات مجلس و شورای
نگهبان لوایح و قوانینی را که
مجموعه حکومت برای حل
مشکلات خود بدان نیازمند است
مورد تصویب قرار دهد.

این مجمع در زمان حیات غیر
رسمی خود به یکی از مراکز حاد
درگیریهای جناحهای درون
حکومت بدل شد و هملا نتوانست
"رسالتی" را که خمینی بر عهده
وی گذاشته بود به انجام رساند و به
یک عامل بحران زای درون
حکومتی بدل گردید.

با توجه به ترکیب جدید
"مجمع" فوق و منصوب شدن
نمایندگانی از جناحهای "تندرو"
حکومت که ظاهرا باید بر اساس
توافقات قبلی میان سران جناحهای
مختلف حکومتی صورت گرفته
شده باشد، انتظار می رود که این
نهاد همچنان یکی از مراکز کشاکش
جناحهای رقیب باقی بماند.

خمینی زمانی حکم به تشکیل
مجمع تشخیص مصلحت داد که
در صدد بود شورای نگهبان را که
دائما مصوبات مجلس رژیم را رد
می کرد، مهار کند. قرار بر این بود
لوایحی که به سد شورای نگهبان
برخورد کرده اند و اجرای آن به
حفظ مصالح نظام مربوط می شود
از طریق "مجمع تشخیص
مصلحت" رسمیت یابد. خمینی
برای حمایت از مجلس مجمع
رافراخوانده بود اما بزودی
"مجمع تشخیص مصلحت" به
محل و مرکز قانونگذاری حکومت



اعتصاب یازده هزار تن کارکنان کشت و صنعت کارون

محاصره مجتمع کشت و صنعت توسط
پاسداران و سربازان مسلح از خروج
اعتصابیون از محل جلوگیری کرد و پاسداران
اقدام به تیراندازی هوایی کردند:

هزم متحدانه کارگران بر این حربه نیز فائز
آمد و مقامات رژیم دوباره از در سازش در
آمدند. فرماندار شوشتر در محل اعتصاب حاضر
شد و برای تامین خواسته های اعتصاب کنندگان
قول مساعد داد.

پس از یک هفته اعتصاب، یازده هزار نفر
کارکنان کشت و صنعت کارون با نمایش قدرت
همل متحد خود و گرفتن قول مساعد برای
رسیدگی به خواسته هایشان به اعتصاب خود
پایان دادند.

منطقه ضمن یک صحبت تهدیدآمیز، خواهان
بازگشت کارکنان بر سر کار شد ولی با مقاومت
اعتصابگران و هو آنان روبروگشت. روز بعد
هئیتی از تهران برای رسیدگی به این مسئله و
خواباندن اعتصاب به محل فرستاده شد. این
هئیت نیز در مقابل اراده مصمم کارگران قرار
گرفت و با دیدن خشم کارگران که اعضای
هئیت را به مرگ تهدید می کردند با کمک
محافظین خود از محل گریخت.

استاندار خوزستان در محل اعتصاب حاضر
شد و عمل کارکنان را عملی ضدانقلابی و
کفرآمیز خواند و به سیاست تهدید ادامه
داد. فردای آن روز رژیم آشکارا به منطق
همیشگی خود یعنی سرکوب روی آورد و با

یازده هزار تن از کارکنان مجتمع
کشت و صنعت کارون شوشتر روز یکشنبه
دوازدهم شهریور ماه ۶۸ متحدانه دست به
اعتصاب زدند و خواهان اجرای طرح طبقه بندی
مشاغل شدند. طرح طبقه بندی مشاغل از جمله
قوانینی است که هلیرقم خواست کارگران و
مبارزه آن ها جهت اجرای آن، مانند قانون کار
طی ۱۰ سال گذشته در پیچ و خم های مراکز
آخوندی و کارگرتیز جمهوری اسلامی با
کارشکنی مواجه بوده است.

یک روز بعد از این حرکت یکبارچه
کارکنان مقامات رژیم به سیاق همیشگی از در
تهدید در آمدند و قیاسی رئیس پاسداران

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

زنده اش کشت، مرده اش زنده می کند

که به مرض های گوناگون مبتلایند با طناب به این میله ها بسته می شوند و یا خود را می بندند، تا امام حاجتشان را بر آورده کند و شفایشان بخشد!! هر از گاهی یکی از این مریض ها به اصطلاح شفا می یابد و معجزه امام تاثیر می کند. شارلاتان های رژیم با جار و جنجال، لباس فرد شفا یافته را بعنوان تبرک یاره کرده و بین خود و مردم تقسیم میکنند و از این طریق اقدام به جمع آوری پول می نمایند! معجزه "امام" را تبلیغ می نمایند، گاهی از این طریق به جمع آوری پول نیز اقدام می شود.

حیله و نیرنگ آخوندی و سوء استفاده از باورهای مذهبی هوام الناس همواره یکی از شگرد های اصلی رژیم فقها بوده است. روزی هکس خمینی در ماه دیده شد و روزی دگر از دیده شدن امامان بر اسب سفید نشسته در جبهه های جنگ خبر رسید. این نیرنگ ها معمولاً در حیات خمینی جهت به تزلزل گشتن انسان ها به کار گرفته می شد. اما اخیراً از مرده خمینی نیز در ادامه این دسایس برای امیال دیگر استفاده می شود. در این رابطه به دور قبر خمینی میله هایی بسته و آن را به شکل امامزاده در آورده اند. نزدیک به ۲۰ الی ۳۰ نفر

فشار بیشتر بر مردم شهرستان ها

بخاطر وجود برخی مصالح سیاسی و رعایت بعضی ظاهر سازی ها، اعمال فشار بطور مستقیم بر مردم اندکی کاهش یافته است ولی این مسئله شامل شهرهای کوچک نمی شود و ارگانهای حکومتی همچنان به آزار و اذیت مردم مشغولند. مثلاً در کرمانشاه جوانی را بخاطر پوشیدن پیراهن آستین کوتاه ۴۰ ضربه شلاق زدند و پیراهنش را پاره پاره کردند. مزدوران رژیم کماکان شبانه جهت سر باز گیری به خانه های مردم هجوم می برند. جوانان بخاطر اجتماعات چند نفره از طرف گشت های حکومتی جلب و بازجویی خیابانی می شوند.

مسئولیت شرعی!!

گورهای دسته جمعی دفن کرده ایم. هلیرقم فشار خانواده ها تا کنون رژیم از اعلام رسمی محل گورهای دسته جمعی خودداری کرده است.

دست اندرکاران جنایت با پیش بینی اینکه محل قبر این شهدا محل تجمع خانواده ها و مردم شده و از این طریق به مکان های افشاگری بدل خواهد شد، شگرد دیگری نیز بکار برده اند. آنان با پخش نمودن قبر قربانیان بین قبرهای هادی تلاش کرده اند که نشانی از این شهدا باقی نماند. اما حضور گسترده و حرکات مشخص مردم بر سر مزار شهیدانی که به طریقی محل دفن آنان مشخص شده است، این نیرنگ رژیم را نقش بر آب کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی بعد از ارتکاب جنایت هولناک خود در کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی مانند همه جلادان از تن های بی جان قربانیان خود وحشت دارد، و از اعلام محل دفن آنان خودداری می کند. اخیراً پس از گذشت یک سال از این جنایت رژیم تحت فشار خانواده های شهدا و مراجعات مکرر آنان مجبور به عقب نشینی شده و محل دفن تعداد زیادی از مجاهدین را به خانواده های آنان نشان داده اند. جنایتکاران اظهار کرده اند که چون مجاهدین احکام شرعی را به جا می آورند، ما آنها را بر اساس ضوابط اسلامی به خاک سپرده ایم. اما در این رابطه به چندین خانواده گفته شده است که در مورد اهدام شدگان گروه های چپ، ما هیچ مسئولیت شرعی نداریم و آنها را در

فحشا

در خیابانها افزایش یافته است

نوشته ای را که در زیر می خوانید بخشی از یک گزارش دریافت شده از داخل کشور است در رابطه با وضعیت جامعه آخوند زده ما:

"شاید برای کسانی که از دور شاهد مسائل ایران و حاکمیت ملاها هستند این توهم بوجود آید که حاکمیت اسلامی با به راه انداختن دوایر بی شمار مبارزه با منکرات و محدود کردن زنان و دختران در چهار چوب خانه و آشپزخانه توانسته است از شدت فساد و فحشا در جامعه ایران بکاهد. اما یک گشت کوتاه در خیابانهای تهران به آسانی این توهم را نقش بر آب ساخته و واقعیت تلخی را هیمن و آشکار می سازد. زانی که به فحشا و خود فروشی رو آورده اند در بسیاری نقاط در سطح خیابانها به چشم می خورند. بدون افتراق می توان گفت که در هیچ دوره ای از تاریخ دامنه فساد و فحشا تا حد امروزی در جامعه ایران گسترده نگردیده است. هر چند که روزانه هزاران نفر به اتهام فساد و کارهای خلاف شرع توسط کمیته های مبارزه با منکرات بازداشت می شوند و هزار چند گانه هدهای از زنان قربانی جنایت جمهوری اسلامی گشته و به نام زنکار سنگسار می گردند، ولی این عمل از وسعت این وضع فاجعه بار که نتیجه فقر و بیکاری ناشی از حکومت آخوند ها بر جامعه ماست، نمی کاهد. بنابه اظهار بقال یکی از مجتمع های مسکونی شهر تهران، در این مجتمع که شامل ۷۰۰ خانوار می باشد، ۲۰۰ زن فاحشه به سر می برند. در همین شهرک توسط پنج یا شش باند دزدی شبی پنج نفره سرقت انجام می گیرد.

اسکان خانواده های جنگ رده در آپارتمان های مشترک و زندگی فاجعه بار آنها نیز بستر مناسبی برای اشاه فساد و فحشا به وجود آورده است.

چندی پیش حکومت اسلامی محله جمشید تهران را با خاک یکسان کرد و همه زنان و معتادین آن محله فلک زده را که قربانی نظام شاه و خمینی هستند به بیابانی در مرادآباد کرج منتقل نمود و آنان را در کانتینر هایی اسکان داد. این کانتینرها خود به فاحشه خانه ها تبدیل شده اند و جالب آنکه چند نفر پاسبان فاسد را مأمور جلوگیری از فساد در این محل کرده اند.

گرانی بیداد می کند

پرداخت (ماهی ۲۰۰۰۰۰ - ۱۰۰۰۰۰۰ ریال کرایه داده می شود. برای یک حمل ساده آپاندیس ۵۰۰۰۰۰ ریال و سزارین زنان ۴۰۰۰۰۰۰ ریال مخارج لازم است. نرخ داروهای مورد نیاز مردم اگر پیدا شوند گفتن ندارد.

فشارهای اقتصادی اقشار محروم جامعه آنچنان سنگین است که در اکثر خانواده ها اختلاف و درگیری و آمار طلاق بحدی بالا رفته که در جامعه ما قیاس برایش وجود نداشته و ندارد.

قیمت های سرسام آور هیچ تناسبی با درآمد مردم ندارد. رژیم هر روز داد سخن از تعیین نرخ کالاها می دهد ولی مردم دیگر هیچ باوری به این مهرکه بازیها ندارند. در فروشگاههای تهران تولید روز بازار اروپا یافت می شود اما این اجناس در پشت ویترینها و دور از دسترس مردم هادی قرار گرفته اند. شلوار مردانه ۳۳۰۰۰ ریالی، پیراهن ۱۷۰۰۰ ریالی، کفش ۱۸۰۰۰ ریالی و ... آپارتمان یک خوابه (با پیش



پس از ساهت هادر صف ایستادن ساهتی را به فراقت نشسته اند. باز نشسته اند و بیشترین بار گرانی را بر دوش می کشند.

خوئینی‌ها به ریاست "مرکز تحقیقات استراتژیک" حکومت منصوب شد

روز پنجشنبه گذشته در ادامه انتصابات، که دیگر پست‌های کم‌اهمیت و غیر حساس رژیم را در بر می‌گیرد، رفسنجانی طی حکمی آخوند خوئینی‌ها را به سمت ریاست "مرکز تحقیقات استراتژیک" برگزید.

در جمهوری اسلامی از دیر باز رسم بر این بوده است که کار را به کاردان بسپارند. این بار ریاست "مرکز تحقیقات استراتژیک" را به یک ملا سپرده‌اند.

رفسنجانی در حکم خود با اشاره به اصل ۱۳۴ قانون اساسی و مواد ۱۷ و ۱۸ قانون اساسی تعیین وظایف و حدود اختیارات رئیس جمهوری ضمن تذکره به انجام وظیفه نامبرده زیر نظر رئیس جمهور، از خوئینی‌ها خواستار گردیده که با توجه به "صلاحیت‌های علمی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی" اش به ایجاد "مرکز تحقیقات استراتژیک" اقدام کند.

رئیس جمهور در کلمه خود ضمن هشدار به خوئینی‌ها در انتخاب درست همکاران، اقدامات زیر را جهت انجام بر شمرده است:

- ایجاد مرکز تحقیقات استراتژیک برای کشور با جذب محققین شایسته

- استفاده از نیروهای موجود و شاغل در دستگاه دولت، ایجاد ارتباط با مراکز تحقیقاتی در سایر نقاط و محققان آزاد داخلی و خارجی

- پشتیبانی از گانها و نهادهای حکومتی از مراکز تحقیقاتی بطور مستقیم و یا از طریق نشر موارد تحقیقاتی بطور غیر مستقیم.

خوئینی‌ها که تا سه ماه پیش سمت دادستان کل کشور را بعهده داشت بعد از انجام تغییراتی در دستگاه قضائی از کار برکنار شد، اما در هفته گذشته وی علاوه بر منصوب شدن به ریاست این مرکز از جانب خامنه‌ای نیز به عضویت "مجمع تشخیص مصلحت نظام" نیز برگزیده شد.

قائم مقام وزارت خارجه سوئد

در تهران

"پیرشاری" قائم مقام وزارت خارجه سوئد در سفر خود به تهران روز دوشنبه ۱۷ مهرماه با حبیبی معاون اول رئیس جمهور دیدار و گفتگو کرد.

حبیبی در این دیدار ضمن اشاره به روابط فیما بین گفت چنانچه بعضی از مسائل اخلاقی در این روابط رعایت شود برخی سردی‌ها رفع خواهند شد.

"پیرشاری" در این ملاقات ضمن "دمکراتیک" خواندن نظام حکومتی در ایران بر لزوم گسترش روابط و همکاری‌های دو کشور اشاره کرده و گفت: ما خواهان آن هستیم که روابط سیاسی دو کشور به موازات روابط اقتصادی کشور هایمان گسترش یابد.

روابط سیاسی ایران و سوئد بعد از فرمان قتل "سلمان رشدی" نویسنده کتاب "آیه‌های شیطانی" توسط خمینی رو به سردی گزاشته بود و ظاهر ادولت سوئد نیز اقدام حکومت ایران را عملی خودسرانه و برخلاف موازین و مقررات شناخته شده بین‌المللی و مغایر با منشور حقوق بشر دانسته بود.

شایان ذکر است در ادامه گسترش تماس‌های کشورها عضو جامعه اقتصادی اروپا با دولت ایران وزیر خارجه فرانسه نیز پیامی توسط کاردار وزیر تهران برای آقای ولایتی ارسال داشت. وزیر خارجه فرانسه در این پیام ضمن اشاره به دیدار خود با ولایتی در جریان برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد تمایل مقامات دولت فرانسه را برای گسترش روابط با ایران و حل اختلافات فیما بین اعلام داشته است.

فسخ کامل قرارداد "پروژه پتروشیمی ایران-ژاپن"

سراجم پس از مذاکرات طولانی میان مقامات مختلف جمهوری اسلامی و مقامات دولت ژاپن و مسئولان شرکت میتسوئی بر سر اجرای قرارداد پروژه پتروشیمی ایران، فسخ کامل این قرارداد اعلام شد. وزیر نفت حکومت اسلامی اعلام کرد که بر اساس مفاد قطعنامه‌ای که بین مقامات ایرانی و مسئولان شرکت میتسوئی نوشته شده، مقرر گردید که شرکت میتسوئی بخاطر عدم مشارکت خود در ادامه اجرای پروژه مزبور مبلغ یک میلیارد دلار به عنوان فرامت به ایران بپردازد.

آقازاده وزیر نفت همچنین اعلام کرد که ایران قصد دارد اجرای این پروژه را ادامه دهد و بصورت منظم وی از شرکت‌های خارجی درخواست شرکت در آن را نمود.

گفته می‌شود شرکت میتسوئی بر اساس مفاد قطعنامه مذکور مبلغ ۱۳۰ میلیارد "ژاپن" معادل ۹۱۰ میلیون دلار برای توقف همکاری خود فرامت پرداخت کرده است و این در حالی است که قبلاً مطابق اظهار نظرهای مقامات مختلف حکومت اسلامی مسئولان این شرکت برای عدم مشارکت خود در اجرای این پروژه حاضر به پرداخت مبلغی معادل یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار بوده‌اند. هلت عدم پرداخت ۳۴۰ میلیون دلار باقیمانده توسط این شرکت به شرکت ملی نفت ایران فاش نگردیده است.

گفته می‌شود مسئولان شرکت میتسوئی که در تهران به سر می‌برند آمادگی خود را برای مشارکت در پروژه‌های بازسازی اعلام کرده‌اند. مقامات دولت ژاپن در مورد عدم مشارکت کنسرن میتسوئی و شرکا در توضیح به مقامات دولت ایران از خود سلب مسولیت نموده و اعلام کرده‌اند که این یک پروژه مشترک میان شرکت‌های خصوصی ژاپنی و ایران بوده است و دولت ژاپن هیچگونه مسولیتی در عدم ادامه این پروژه از جانب شرکت میتسوئی ندارد. آقازاده در اظهارات خود افزود: ایران یک

شرکت هلندی را مأمور ارزیابی میزان خسارات وارده به این پروژه کرده است.

مجمع پتروشیمی بندر شاهپور که اجرای آن در سال ۱۹۷۵ با مشارکت کنسرسیوم میتسوئی و چند شرکت ژاپنی آغاز گردید در جریان جنگ ایران و عراق و در نتیجه حملات هوائی ارتش عراق صدمه و خسارات زیادی دید و ادامه اجرای آن بعلت وجود شرایط جنگی توسط متخصصین ژاپنی قطع گردید و این در حالی بود که ۸۵ درصد تاسیسات این پروژه درازمه‌زینی در حدود ۴ میلیارد و ششصد میلیون دلار به پایان رسیده بود.

از زمان قطع اجرای این پروژه چندین دور مذاکرات بی‌حاصل میان مقامات ایرانی و مسئولان ژاپنی طرف قرارداد صورت گرفت که در نهایت در اوایل ژوئیه سال ۱۹۸۸ مسئولان کنسرسیوم میتسوئی اعلام کردند که به علت فیراقتصادی بودن این پروژه حاضر به ادامه مشارکت در اجرای آن نیستند.

با وجود آنکه در فاصله زمانی فوق از جانب چندین شرکت خارجی برای مشارکت در اجرای این مجمع اعلام آمادگی شده بود ولی همچنان مقامات ایرانی بر ادامه همکاری با طرف‌های ژاپنی مورد قرارداد پای فشرده و از واگذاری آن به شرکت‌های دیگر خودداری ورزیدند. گفته می‌شود در صورت اتمام پروژه پتروشیمی ایران قادر خواهد بود سالانه در حدود یک میلیارد دلار مواد پتروشیمی تولید کند. در همین رابطه وزیر نفت حکومت اعلام کرد که دولت قصد دارد طرف مدت سه سال آینده این طرح را با همکاری شرکت‌های خارجی به اتمام برساند. وی در ادامه سخنانش ابراز امیدواری کرد که تا اوایل سال آینده اجراء یک واحد از پروژه به اتمام برسد. نامبرده گفت در صورت اتمام این واحد ایران قادر خواهد بود در سال آینده معادل ۳۵۰ میلیون دلار مواد پتروشیمی تولید کند.

قرارداد "استرداد مجرمین"

میان ایران و پاکستان

"نظیر احمد شیخ" معاون ویژه نخست وزیر پاکستان در راس یک هیئت از مقامات پاکستانی روز یکشنبه ۱۵ مهرماه وارد تهران شد. او پس از دیدار با مقامات مختلف رژیم روز سه‌شنبه با عبدالله نوری وزیر کشور حکومت اسلامی دیدار و گفتگو کرد.

در دیدار "نظیر احمد شیخ" با عبدالله نوری، طرفین علاوه بر مذاکره بر روی راه‌های جلوگیری از قاچاق موادمخدر و اتخاذ تصمیمات مشابه در مورد "مجاهدین افغانی" که به دو کشور پناهنده شده‌اند، به بحث و گفتگو برای یافتن راه‌های "برقراری ثبات و امنیت" در مرزهای دو کشور پرداختند و در همین رابطه در زمینه "استرداد مجرمین" و افرادی که بطور فیر قانونی از مرزهای دو کشور خارج می‌شوند به توافقاتی رسیدند. بر این اساس خطری که در زمینه تحویل به دولت جمهوری اسلامی پناهجویان ایرانی در پاکستان را تهدید می‌کرد تقویت شده است. تشدید فشار بر پناهجویان ایرانی که از خفقان و تحمیلات موجود در ایران

گرفته‌اند یکی از اهداف این موافقتنامه می‌باشد. در این دیدار معاون ویژه بی‌نظیر بوتو نخست وزیر پاکستان از عبدالله نوری برای انجام یک دیدار رسمی از پاکستان و ادامه گفتگوها پیرامون مسائل فوق‌دهوت به‌عمل آورد. "نظیر احمد شیخ" در طی اقامت خود در تهران علاوه بر ملاقات با عبدالله نوری، با رفسنجانی و ولایتی نیز دیدار و گفتگو کرده است. در دیدار رفسنجانی با معاون ویژه نخست‌وزیر پاکستان که مشاور بین‌المللی رفسنجانی نیز حضور داشت طرفین بر گسترش هر چه بیشتر روابط دو جانبه تأکید کردند. در این دیدار "نظیر احمد شیخ" پیام کتبی "بی‌نظیر بوتو" را به رفسنجانی تسلیم نمود.

در ارتباط با قاچاق مواد مخدر در تهران اعلام شده که برای جلوگیری از رنت و آمد قاچاقچیان مواد مخدر در مرزهای شرقی کشور و مبارزه با آنان کار مین‌حداری ۶۱ کیلومتر از مرزهای مشترک ایران و پاکستان و افغانستان در محلی که تردد قاچاقچیان مواد مخدر صورت می‌گیرد به پایان رسیده و این بخش از مرزهای کشور ممنوع‌العبور اعلام گردیده است.



حکم تخلیه و اجاره‌های به اوج فلک رسیده آیا باید شب‌ها در کنار خیابان به صبح رساند؟

پاسخ وزیر خارجه ایتالیا به اعتراضیه وزارت خارجه ایران

پایان گردهم‌آئی باندهای

ضدانقلابی افغانی در تهران

آوردن تسهیلات در گشودن راه‌هایی است که بتواند در روابط ایران با اعضای جامعه اروپا سهمی داشته باشد.

وزیر خارجه ایتالیا در این نامه خاطر نشان کرده که ایران و ایتالیا، دوره‌ای را در پیش رودارند که در آن دو کشور می‌توانند کار مشترک رضایت‌بخشی را در فضائی دلخواه در منطقه خلیج فارس و نیز در بازار مشترک اروپا دنبال کنند.

قابل ذکر است که ولایتی در جریان برگزاری مجمع همومی سازمان ملل متحد در نیویورک ضمن دیدار با وزیر خارجه چند کشور با وزیر خارجه ایتالیا نیز دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار طرفین علاوه بر مسائل مورد بحث در نامه نمایندگان مجلس ایتالیا، در زمینه گسترش مناسبات اقتصادی و تجاری به مذاکره پرداختند.

در ارتباط با اعتراض وزارت خارجه حکومت اسلامی به دولت ایتالیا در مورد طومار حمایتی بیش از یک سوم از نمایندگان پارلمان ایتالیا از "مجاهدین خلق" و محکومیت رژیم ایران که دوتن از وزرای کابینه ایتالیا نیز آن را امضا کرده بودند، "آجانی دیکلیس" وزیر امور خارجه ایتالیا در پیامی به ولایتی نامه نمایندگان مجلس ایتالیا را غیررسمی و جدا از مواضع دولت ایتالیا دانست و خواستار تمایز موضع اصلی دولت ایتالیا از مواضع نامه این تعداد نمایندگان شد.

پیام وزیر امور خارجه ایتالیا روز یکشنبه ۹ مهرماه توسط کاردار ایتالیا در تهران به مقامات وزارت خارجه حکومت اسلامی تحویل داده شده است.

در این پیام گفته شده است که سیاست ایتالیا در قبال جمهوری اسلامی ایران، تحکیم روابط با تهران و ایجاد فرصت‌های مناسب برای به وجود

انتصاب دبیر "شورای عالی امنیت" حکومت اسلامی

و دیگری وظیفه تأمین دفاع خارجی را بر عهده دارد، ایجاد گردد.

با تشکیل "شورای عالی امنیت" که ریاست آن به‌عهده رفسنجانی در سمت رئیس جمهور می‌باشد ارگانه‌ای امنیتی و سرکوبگر رژیم که تا کنون از پراکندگی معینی برخوردار بودند، متمرکز گردیده و رفسنجانی به‌عنوان رئیس جمهور و ریاست این شورا و خامنه‌ای به‌عنوان "رهبر" و کسی که طبق قانون اساسی "تقماً" تصمیمات این شورا می‌بایست به تأیید وی بر سند نظارت مستقیم بر ارگانه‌های سرکوبگر و امنیتی رژیم را بر عهده خواهند داشت. با تشکیل "شورای امنیت ملی" و کنترل آن توسط ائتلاف خامنه‌ای - رفسنجانی این جناح‌بندی گام دیگری در جهت تقویت مواضع خود در درگیری‌های حکومتی برداشته است.

رفسنجانی روز پنج‌شنبه ۲۵ مهرماه طی حکمی "حسن روحانی" را به سمت مشاور خود در امور امنیت ملی و دبیر این شورا منصوب کرد.

حسن روحانی قبل از انتصاب به سمت فوق ریاست کمیسیون دفاعی مجلس را به‌عهده داشت. رفسنجانی در حکم انتصاب روحانی با استناد به اصل ۱۷۴ قانون اساسی ضمن انتصاب وی به سمت دبیری "شورای عالی امنیت" از وی خواستار گردهم‌آئی است که هر چه زودتر و با دقت هر چه تمام‌تر "مقدمات تکمیل این نهاد مهم را که در قانون اساسی به‌منظور تأمین منافع ملی، و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی گنجانده شده" فراهم نماید.

قرار است در ارتباط با شورای فوق دو شورای فرعی دیگر که یکی وظیفه تأمین امنیت داخلی

گردهم‌آئی باندهای ضدانقلابی افغان که تحت عنوان دومین سمینار بین‌المللی مسائل افغانستان در تهران برگزار شده بود در روز چهارشنبه ۱۲ مهرماه با صدور یک بیانیه ۹ ماده‌ای به کار خود پایان داد.

ولایتی وزیر خارجه حکومت هدف از برگزاری سمینار را تلاش در جهت نزدیک‌تر کردن گروهها و افراد ذینفع در مسئله افغانستان و ایجاد همبستگی بین مجاهدین و مسلمانان افغانستان و همچنین حل مشکلاتی که مردم این کشور با آن مواجه هستند دانست.

مقامات حکومت اسلامی تلاش ورزیدند که نمایندگان گروهها، سازمانها و احزاب لبنانی و فلسطینی که در تهران حضور داشتند جهت حمایت از باندهای ضدانقلاب افغانی در این "سمینار" شرکت کنند.

در این "سمینار" هم از جانب مسئولان رژیم و هم از جانب نمایندگان باندهای ضدانقلابی مواضع ضد و نقیضی طرح گردید. در همین رابطه مجددی از سرکردگان ضدانقلاب افغانی اعلام کرد که "سمینار" دستیابی به یک راه حل سیاسی را مردود نشناخته ولی در همین حال وی تأکید کرد که احتمال شرکت "مجاهدان افغان" در کنفرانس بین‌المللی با شرکت نمایندگان دولت کنونی افغانستان مردود می‌باشد و مبارزه تا سرنگونی دولت افغانستان ادامه خواهد یافت.

ولایتی نیز از یک طرف ضمن قبول داشت طرح دبیر کل سازمان ملل در مورد افغانستان و برگزاری انتخابات در آن کشور، بر ادامه حرکت نظامی تأکید نمود.

در جریان "سمینار" ملاقاتهای نیز ما بین رهبران باندهای ضدانقلاب افغانی با مقامات حکومت اسلامی منجمله خامنه‌ای صورت گرفت.

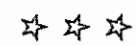
در جشن های مطبوعاتی



پنجاهمین سالگرد انتشار تریبون

جشن پنجاهمین سالگرد انتشار تریبون ارگان مرکزی حزب کمونیست کانادا در روز دهم سپتامبر برگزار شد که احزاب کمونیست و نیروهای دمکراتیک با برپایی فرقه در آن شرکت داشتند. شرکت فعال هواداران سازمان در این جشن بازتاب چشمگیری داشت. رفقای ما با برپایی میز کتاب و نمایشگاه عکس در رابطه با جنگ، صلح و اعدام زندانیان سیاسی و توضیح آنها توانستند گوشه‌ای از مظالم آخوندها بر مردم ایران را در مقابل بشریت تریخ‌خواه به نمایش گذارند و انظار همومی را جلب کنند.

شرکت کنندگان در این مراسم با امضای طوماری از همه مردم دنیا و دولت‌ها و سازمانهای بین‌المللی خواستند تا با اعمال فشار علیه حکومت اسلامی ادامه اعدام زندانیان سیاسی و وجود اختناق و خفقان در ایران را مانع شوند. رفیق جرج هیوسن دبیر اول حزب کمونیست کانادا با حضور خود در فرقه هواداران سازمان و امضای طومار همبستگی خود را با خانواده‌های زندانیان سیاسی و مردم ایران اعلام کرد و برای سازمان ما در راه مبارزه علیه استبداد و ارتجاع آرزوی موفقیت نمود.



برگزاری جشن ملی او نیئا (اتحاد)

جشن ملی او نیئا ارگان حزب کمونیست ایتالیا طبق روال هر ساله از تاریخ ۳۱ اوت تا ۱۷ سپتامبر در شهر جنوا برگزار شد. که در آن نشریات سازمان‌ها و احزاب پیشرو فرقه دائر کرده بودند. در فرقه ایران به دعوت حزب کمونیست ایتالیا، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران شرکت داشتند. دهها هزار شهروند ایتالیایی از این فرقه دیدن کردند و طی سه روز آخر چند هزار نفر از بازدیدکنندگان با امضای متن محکومیت جمهوری اسلامی در رابطه با قتل‌های فدائیان سیاسی

از دولت ایتالیا خواستند که از طریق دیپلماتیک اقدامات لازم را برای آزادی و نجات جان باقیمانده زندانیان سیاسی در ایران به عمل آورد. در ضمن تلگرامی با امضای جمع کثیری از شرکت کنندگان و نمایندگان احزاب و سازمانهای مختلف خطاب به هاشمی رفسنجانی ارسال شد. در این تلگرام از رئیس‌جمهور حکومت اسلامی خواسته شده است که به نام بشریت به رفتار غیر انسانی با زندانیان سیاسی خاتمه داده و آنان را آزاد سازند.

شهر معاصر ایران

در گستره شهر مقاومت ایران چهره‌هایی به یادگار مانده‌اند که نام محمد امینی (م - رامنا) در میان آنان، در خشکی ویژه دارد. شهرهای "رامنا" سالها سینه به سینه گشت بی‌آنکه نام سراینده‌اش برای همه شناخته شده باشد. شخصیت فروتنانه و سالهای طولانی زندانش در رژیم شاه هیچگاه اجازه نداد نامش را بر سر زبانها بیاورد. با اینهمه، شهرهایش بر دل‌های دردمند، راه جست و آتش‌هشقی را که در جان او شعله می‌کشید در دل‌های آرزومند زنده نگاهداشت. با آنکه "توفان" سیاه مرگ، چند سالیست این فروغ فرزانه را به خاموشی سپرد شعله بلند یادش، تا هنوز در ما زبانه می‌کشد.

تابلوی روزبوفی

آغوش در
پُر میشود ز پیکر خواهر
مادر:
آفتاده روی بستر
اینجا نشسته برادر
آنجا نشسته برادر.
بهین است سفره خالی
روی حصیر گالی
در گوشه ای پدر
تسبیح میزند:
خالی است پینت نفت
باقی است پول برق.



روز
روز سیاه زمستانی است
برف سپید پیکر
آنسوی پنجره می‌بارد
اینهم عذاب دیگر!
اما
در گوشه اتاق
روی چراغ، ساور
جای تمام ما فریاد میزند.

“کودکان عجوزه، پوست انقلاب را به تن کردند”

نوشته ناتالیاموروسووا

از مجله صلح و سوسیالیسم، شماره ۴، آوریل ۱۹۸۹

(۲)

به مقاله “ابتکار بزرگ” بازگردیم. اهمیت سوبوتینک های کمونیستی این است که توسط کارگرانی آغاز شد که مطلقاً از شرایط زیستی خوبی برخوردار نیستند، کارگرانی با حرفه های مختلف و در مواردی بدون تخصص. کارگران فیرماهری که در مشکلترین شرایط زندگی می کنند. اینجا نیز لنین نسبت به زیباسازی مصنوعی هشدار می دهد. آیا ما به این هشدار بی توجه نبودیم؟ چقدر رکوردهایی ظاهری ارائه شدند که با اطلاعات نادرست و گزارشات آرایش شده، در پیوند بودند. و در صورتی هم که مدیریت رکورد یک واحد را برای گزارش کافی نمی دید بدون هیچ شرمی از “شرایط بسیار عالی” صحبت می کرد.

ولادیمیر ایلیچ ایمان داشت که زیباسازی حتی می تواند بهترین اقدامات را به نابودی سوق دهد. تعاونی های کشاورزی را که فوراً پس از انقلاب تشکیل شد در نظر گیریم. برخی از روزنامه نگاران بی اطلاع می خواهند ما را قانع کنند که لنین به زور باعث تشکیل آن ها شده و گویا مدافع جذب اجباری دهقانان در تعاونی ها بوده و به این ترتیب برای استالین و کلکتیویزه کردن قهری او سر مشق ایجاد کرده است. اما این عقیده اساساً نادرست است.

بله، لنین زمانی که از آغاز به درک مزایای کار تعاونی توسط دهقانان اطلاع می یافت، خوشحال می شد. او در سخنرانی خود در اولین کنگره ساو خوزها و کالخوزها گفت: “همگی شما حتماً بر مبنای مجموعه عملکرد قدرت شوروی اطلاع دارید که ما چه اهمیت عظیمی برای ساو خوزها، کالخوزها و به طور کلی همه موسساتی تألیفیم که هدف خود را تبدیل اقتصاد فردی دهقانی کوچک به اقتصاد اجتماعی، سهامی و تعاونی قرار داده است و تبدیل تدریجی اولی به دومی را تعقیب می کند. شما می دانید که قدرت شوروی مدتهاست یک بودجه میلیاردی برای تحقق این تصمیم فراهم کرده است اما...”

او سپس اماهای بیشماری مطرح می کند: میلیون ها اقتصاد فردی دهقانی را نیز نباید فراموش کرد. آن ها را نباید قهراً در تعاونی ها مستعمل نمود. “تنها به تدریج، با ملاحظه و فقط به وسیله نمونه عملی فوق می توان بر آنان تاثیر نهاد... زیرا دهقانان مردمانی بسیار عملی هستند... اما “نمونه عملی موفق” یعنی چه؟ یعنی دهقانان به چشم خود ببینند کار در تعاونی بهتر از اقتصاد فردی پیش رود، اگر چه این برتری، اندک نیز باشد. به علاوه باید این را نیز ببینند که کار به علت همکاری جمعی بهتر پیش می رود.

چیزهای دیگری نیز لنین را نگران می کرد. در نقل و قولی که از او آوردیم از یک بودجه میلیاردی برای تعاونی ها صحبت می شود. از محل این بودجه به دهقانانی که تصمیم گرفته بودند به کار جمعی روی زمین رو آورند.

کمک شد. این عجیب نبود که دولت سوسیالیستی به توسعه شکل های سوسیالیستی اقتصاد کمک کند. اما لنین در این کمک جنبه های دیگر که همانا یک خطر بود را نیز می دید: “باید همواره مراقب باشیم که دهقانان به این نتیجه نرسند که تعاونی ها و کمونها و شرکت های سهامی نان خور دولتند و فرقتشان با بقیه دهقانان فقط این است که به آنان کمک می شود. هر احمقی اگر به او زمین بدهند و علاوه بر آن از بودجه میلیاردی به او کمک کنند تا زمین را بکار د، تدری بهتر از یک دهقان معمولی زندگی خواهد کرد. دهقان خواهد گفت این چه چیزش کمونیستی است، در اینجا چه چیزی بهتر شده که ما به آن بدل توجه کنیم، طبعاً اگر چند دوجین یا چند صد نفر را برداریم و میلیاردها در اختیارشان گذاریم، آنگاه آن ها کار نیز خواهند کرد.” مشاهده می کنیم که لنین چقدر از “روستا های رویایی” بیگناک بود.

متأسفانه این نگرانی ها تمام و کمال به اثبات رسیدند. پروراندن طبق برنامه جوانه های کوچک و مراقبت از آنان کاریست پر زحمت و طولانی. رهبری بعد از مرگ لنین می خواست تاریخ را شتابان ببیماید، به اقتصاد نیرنگ زند و سوسیالیسم را فوراً و بدون تأمل بنا کند. آمار و ارقام ساختگی و ابتکارات و رکوردهای ظاهری نیز نتیجه همین سیاست بود. باید مردم ما را ستایش کرد زیرا هلیرفرم این فضای گزافه گویی ها، ابتکارات و رکوردهای واقعی کم نبودند. همانطور که می بینیم کودکان عجوزه نتوانستند روح انقلاب را کاملاً در مردم از بین ببرند.

دوباره به مقاله “ابتکار بزرگ” بازگردیم: “ما کلمه “کمون” را خیلی آسان به کار می بریم. هر موسسه ای که به وسیله یا با شرکت کمونیست ها ایجاد می شود اغلب “کمون” نام می گیرد و اغلب فراموش می شود که چنین نام شایسته ای را باید با کار طولانی و سختکوشانه کسب کرد و با نشان دادن موفقیت عملی در ساختمان واقعی کمونیسم استحقاق آن را بدست آورد.” او سپس می افزاید: “بسیار مفید خواهد بود که کلمه “کمون” از زبان متداول هم می تبعید شود و از انتخاب بی مسامی این نام جلوگیری گردد.”

ما نه فقط علیه این گفته لنین عمل کردیم از آنچه لنین را نگران کرده بود بسی فراتر رفتیم. ما کلمه “کمونیسم” را آنقدر بی رویه بکار بردیم و آنقدر از مضمون خالی کردیم که امروز بسیاری ند

کسانی که دیگر مایل به شنیدن آن نیستند. سال گذشته یک مجله جوانان از خوانندگان خود سؤال کرد که آیا به کمونیسم اعتقاد دارند یا خیر. در کنار جواب های قاطع بله و خیر در بسیاری از اظهار نظرات با عصیت گفته شد: دیگر کافیست، ما از وعده های طلایی خسته شده ایم! آیا گذرتان به شهر “کمونیستی” مسکو با خیابان های کثیف آن و صف مغازه های آن افتاده است؟ آیا تابلو “گروه کار کمونیستی” را دیده اید که تحت لوای آن ما را مورد ستاب قرار داده و سر مردم را شیره می مالیدند؟ آیا “محل ساختمان سازی کمونیسم” را مشاهده کرده اید که در آن زندانی ها تحت مراقبت به کار اشتغال داشتند؟ آیا یادتان می آید که به مردم گفته بودند که در سال ۱۹۸۵ عصر کمونیسم در شوروی آغاز می شود؟ اما در محل بجای عصر کمونیسم، دوره رکود فرار سید.

چه پاسخی می توان به این ها داد؟ این ها حقایق تلخی اند که ما تازه داریم به درک آن آغاز می کنیم و درباره آن ها حرف می زنیم بدتر از آن: به همراه “کمونیسم” کلمه “لنینیسم” هم از محتوی خالی شد. کالخوزهای عقب مانده وجود داشته و هنوز نیز دارند که با نامهایی نظیر “لنین”، “راه لنین” و “میراث لنین” اسم گذاری شده اند. خیل بزرگی از به اصطلاح لنینیست های وفادار وجود داشتند که انسان در موردشان حس می کرد هر کاری می کنند که آماج های کمونیسم، اندیشه های لنین و حتی نام او را به لجن کشند.

نه فقط در کشور ما بلکه در خارج نیز آماج های کمونیستی تا حدودی اعتبار خود را از دست دادند. نیروی تاثیر اندیشه های کمونیستی در نزد بسیاری از انسان های کشورهای سرمایه داری کاستی گرفت زیرا تحقق واقعی این اندیشه ها بسیار کمتر از حد انتظار بود و در مواردی (استالین، ماژو، پول پوت) آنقدر وحشتناک بود که می توانست هر اندیشه ای درباره کمونیسم را یکبار برای همیشه از میان بردارد.

اما به عقیده من وضع مردم شوروی فرق دارد. مادامت های استالینیسم رانه فقط از راه شنیده ها بلکه با گوشت و پوست خود لمس کردیم. اما مردم شوروی برخلاف مفسران غربی در تاریخ ۷۰ ساله خود بسیاری از دستاوردهای حقیقتاً بزرگ کمونیستی را نیز تجربه کرده اند. این به آن ها کمک کرد به اندیشه های انقلاب اکتبر وفادار بمانند.

با این وجود ضایعات روحی جامعه بزرگ است. این امر بویژه اینک در دوران دگرگون سازی آشکار می شود زیرا هر آنچه سال ها در احمات درون انسان ها جمع شده بود اینک ظاهر می شود. آدم بعضی اوقات وقتی به یک سخنران در میتینگی گوش می دهد یا مقاله ای در روزنامه ها و نشریات می خواند ابتدا دچار وحشت می شود. اما نه، مهم نیست، آنچه در جریان است یک جنگ است. من شخصاً از رهبری حزب مان متشکر کم که در شرایط چنین فورانی از انتقاد و نارضایتی که گاه به نفی بنیانهای سوسیالیستی جامعه می رسد دچار اضطراب نمی شود. به نظر من: در صورتی که جنگ، جنگی بقیه در صفحه ۱۰

یونان در آستانه انتخابات پارلمان

بقیه از صفحه آخر

پرسش: شما اوضاع سیاسی داخلی کنونی در کشور خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
پاسخ: اوضاع سیاسی داخلی کنونی در درجه اول با امر انحلال پارلمان و سپس به وسیله اتمام همکاری حزب دمکراسی نو و ائتلاف چپ و پیشرفت‌های دولت مشخص می‌شود. ما دوران قابل توجهی از فعالیت قانونی را بطور موفقیت‌آمیز پشت سر نهادیم. برای اولین بار در این کشور چنین آزمایشی انجام گرفت. قوانینی که به تصویب رسیدند بسیار مهم بودند. اولاً اتمام جنگ داخلی به طور با شکوه قانوناً تثبیت شد. ثانیاً قوانینی تصویب شدند که کنترل پارلمانی بر موسسات همومی بزرگ را شامل می‌شوند. قانونی پیرامون استقلال مطبوعات از حکومت وضع شد. و بالاخره قدم

بزرگی در جهت استقلال توه قضاییه برداشته شد.

*: "ائتلاف اضطراری" بین چپ‌ها و محافظه‌کارها به پایان می‌رسد. اکنون انتخابات چگونه خواهد بود؟

ائتلاف چپ بر آن نیست که در شرایط کنونی، ادامه همکاری با دمکراسی نو ممکن و مفید است. همینکه برنامه این دو نیرو بسیار متفاوت اند، کفایت که چنین همکاری را غیرمقدور کند. به‌علاوه قابل انتظار نیست که در مسائل اقتصادی و اجتماعی یا مسائل مربوط به سیاست خارجی یک نزدیکی بین آن‌ها پدید آید. از سوی دیگر همکاری با حزب پازوک (سوسیالیست‌ها) نیز با شکل و رویه کنونی این حزب و در ارتباط با رهبری آن که در میان‌شان افرادی وجود دارند که به فساد متهم شده‌اند ممکن نیست. با این وجود ما برای ایجاد یک اکثریت

دمکراتیک مترقی نوین در این کشور تلاش می‌کنیم. اگر در انتخابات آینده موفق به ایجاد آن نشدیم از موضع اپوزیسیون، خواسته‌های خود برای دمکراتیزاسیون همیق یونان را پی خواهیم گرفت.
*محاکمه اعضای پازوک چگونه است و مرحله تدارک محاکمه خود پایاندروئو در چه مرحله‌ای است؟

محاکمات در جریان اند. کیفر خواست نوشته شده. اکنون دادگاه تصمیم خواهد گرفت پارلمان و نیروهای سیاسی کشور کار خود را انجام داده‌اند. آن‌ها دیگر سرکاری با این امر ندارند. یک هیئت پنج نفره دادستان از سوی پارلمان برای دادگاه تشکیل شده است و قضاتی که باید در مورد دادگاه یابی گناهی متهمین تصمیم بگیرند به وسیله قرعه‌کشی انتخاب شده‌اند. اکنون دادگاه در این باره تصمیم خواهد گرفت.
*: دوباره به انتخابات

بازگردیم. ائتلاف چپ با کدام مضامین و خواسته‌ها در انتخابات شرکت خواهد کرد؟

ائتلاف چپ با مطالبه اینکه هیچ یک از دو حزب اکثریت مطلق را بدست نیارود وارد انتخابات خواهد شد. ما برای افزایش آرای خودمان مبارزه خواهیم کرد. به علاوه ائتلاف چپ برای ادامه دمکراسیزاسیون نهادهای کشور و در راه یک سیاست اقتصادی و اجتماعی موافق منافع توده زحمت قدم خواهد گذاشت.

*: فکر می‌کنید در انتخابات به چند درصد آرا دست یابید؟ در انتخابات قبلی حدود ۱۲ درصد آرا و ۲۹ کرسی بدست آوردید.

در هر صورت به کسب بیش از آنچه در ماه ژوئن بدست آمد امیدواریم. فعلاً نمی‌توان رقم دقیقی را پیش‌گویی کرد. انتخابات آینده انتخابات مشکلی خواهد بود. ما در انتخابات بیشتر به مباحث مضمونی پیرامون مشکلات خواهیم پرداخت.

یونان پس از انتخابات

نوشته زیر توسط یکی از خوانندگان نظریه برای ما ارسال شده است که در آن اوضاع یونان پس از انتخابات ژوئیه گذشته تصویر شده است.

بعد از گذشت حدود یک سال باز به آتن بر می‌گشتم. پیش از آن یک سال ونیم در آتن زندگی کرده بودم. و در این مدت به مردمش به طبیعتش و به زبانش خو گرفته و توانسته بودم دوستان و رفقای خوبی پیدا کنم.

ساعت ده شب هفده ژوئیه بود که به آتن رسیدم. هوا دم کرده و گرم بود. راه و چاه را خوب می‌دانستم و برای اینکه ارزانتر خودم را به شهر برسانم سوار اتوبوس "اکسپرس" شدم. راننده صدای رادیو را بلند کرده بود تا خوب بشنود. زبان یونانی را فراموش نکرده بودم و چیزهایی حالیم می‌شد. بحث دافی در پارلمان بود گویا مستقیم پخش می‌شد. تعجب کردم، ساعت ده شب و جلسه پارلمان! از راننده پرسیدم او هم تأیید کرد. دیوارهای شهر زیر بار پوستریهای تبلیغاتی نمی‌توانستند نفس بکشند. پوسترها اکثراً پاره و نیمه پاره

بودند. در میان آنها عکس‌های "پاپاندروئو" نخست وزیر دو دوره قبل و "میچواتاکیس" رهبر حزب دست راستی "ائتو دمکراتیک" به چشم می‌خورد. حدود دو هفته قبل از آن، انتخابات در یونان برگزار شده بود. و از نتایج آن دورادور خبر داشتم و می‌دانستم که "پاسوک" یعنی همان حزب سوسیالیست یونان به رهبری پاپاندروئو شکست خورده و آرائش به ۳۹ درصد رسیده و در عوض دست راستی‌ها ده درصد به آراشان اضافه شد و به مرز ۴۶ درصد رسید و همینطور "اتحاد چپ" به رهبری حزب کمونیست گویا ۲۱ درصد افزایش داشته و ۱۳ درصد آرا را به خود اختصاص دادند. هیچکس رای اکثریت نیاروده بود و به همین خاطر کسی نتوانسته بود به تنهایی دولت تشکیل دهد.

شب پیش مهمان بچه‌های ایرانی بودم آنها از آخرین اخبار انتخاباتی مطلع ام کردند. از آنها خبری شنیدم که باور نکردنی بود "کمونیستها" حزب "ائتو دمکراتیک" تشکیل دولت داده‌اند! تا آنجا که من به یاد

داشتم کمونیست‌ها سالها دشمن آشتی ناپذیر دست راستی‌ها بودند و حتی در دو دوره قبل کمونیست‌ها برای جلوگیری از به قدرت رسیدن دست راستی‌ها به اجبار به سوسیالیست‌های سازشکار و نامطمئن و دروغگو رای داده بودند و حالا چطور کمونیست‌ها با آنها دست به یکی شده بودند، برایم مسئله بود. البته رفقا دلایلی آوردند مبنی بر اینکه حزب سوسیالیست در طول حاکمیت هشت ساله در یونان مرتکب دزدی‌های کلان شده و در تمام هرصه‌ها هلیرقم دادن شعارها و وعده‌های سوسیالیستی دست به کثیف‌ترین اعمال زدند که پیش از آنها دست راستی‌ها مرتکب نشده بودند. و حالا هم کمونیست‌ها برای افشای آنها به طور موقت (سه ماهه) همراه با دست راستی‌ها یک دولت مشترک تشکیل داده‌اند.

از اینکه می‌دیدم کمونیست‌ها در انتخابات باهم وحدت کرده بودند، خیلی خوشحال بودم آنها بر خلاف دیگر کشورهای سرمایه‌داری اروپا آراشان نسبت به گذشته (هر چند اندک) افزایش یافته بود.

دلایل بچه‌ها قانع‌نکرد، فردای آنروز به سراغ "یورگوس" رفتم. یورگوس نویسنده و استاد زبان یونان باستان است. او شصت و یک سال سن دارد با هیگلی درشت و چاق طبقه دوم خانه‌اش را به کتابخانه و دفتر کارش تبدیل کرده است. عکس از لنین و جوانی‌های "یانیس ریتسوس" زینت بخش کتابخانه‌اش است. مرا که می‌بیند ذوق زده می‌شود و اولین کاری که می‌کند هیگکش را بر می‌دارد تا در موقع روبوسی با هیگکش من تصادف نکند. مرا محکم در آغوش می‌گیرد و چهار بار همدیگر را می‌بوسیم. یک سال همدیگر را ندیده بودیم. هیچ وقت فکرش را نمی‌کردم که یک خارجی را اینقدر دوست دارم. یورگوس ایران و تاریخ ایران را خوب می‌شناسد. بعد از او "النی" بود که مرا بغل کرد و بوسید. النی زن یورگوس است. او معلم است و دو تا از برادرهایش در جنگ‌های داخلی یونان (۵۰ - ۱۹۴۷) جنگ بین کمونیست‌ها و نیروهای ارتجاعی مورد حمایت انگلیس که با شکست کمونیست‌ها و فلبه ارتجاع و دیکتاتوری پایان یافت) (به شهادت رسیدند. النی اگر

چه چند سالی از یورگوس کوچکتر است ولی هم سن او به نظر می‌رسد، النی برایمان "قهوه یونانی" می‌آورد، بی مقدمه بحث را شروع می‌کنم، گویا خبرنگارم و برای مصاحبه رفته‌ام. از یورگوس می‌پرسم:

از نتایج انتخابات راضی هستی؟
یورگوس لبخند می‌زند و می‌گوید: خیلی راضیم،... خوب شد، خیلی خوب شد.
نظر او را نسبت به دولت مشترک با دست راستی‌های پرسم.
- می‌دانم تو هم خیلی تعجب می‌کنی که ما چرا با آنها کنار آمده‌ایم ما با آنها هم چنان در تضادیم و تضاد اصلی ما در یونان با آنهاست. دفعه اول رئیس جمهور میجو تاکیس را مسئول تشکیل دولت کرد، آنها برای بدست آوردن اکثریت به ما روی آوردند ولی ما با برنامه آنها موافقت نکردیم و دست رد به سینه‌شان زدیم و آنها نتوانستند کابینه تشکیل دهند. بعد نوبت به دومین حزب یعنی پاسوک رسید. آنها هم برای بدست آوردن اکثریت به ما متوسل شدند، به ما خیلی پوئن دادند، گفتند یک سوم کابینه ما شما (حدود شش وزیر) ولی ما برای تشکیل دولت یک پیش شرط گذاشتیم و آنهم "محاكمه دزدان" بود. ما نمی‌خواستیم شریک دزدها باشیم (مردم به ما هشدار می‌دادند که شریک دزدها نشویم). ما در شرایط هادی سوسیالیست‌ها را بر نئو دمکرات‌ها ترجیح می‌دهیم ولی آنها پیش شرط ما را نپذیرفتند. ما می‌دانیم که همه رهبران سوسیالیست‌ها دزد نیستند، در این دزدی‌های کلان بخشی از آنها دست داشتند... باور کن آنها مملکت ما را به روز سیاه نشانند، صحبت از هزاران میلیون دلار نیست صحبت از میلیاردهاست اگر این دزدی‌ها نبود، کشور ما و مردم ما الان حال و روزشان اینطور نبود،

مردم از هشت سال پیش به مراتب فقیرتر شده‌اند، ما گفتیم باید دادگاه تشکیل بدهیم و دزدان را به پای میز محاکمه بکشیم و بعدا به تشکیل دولت مشترک دست بزنیم ولی آنها که کفشان پر از ریگ بود قبول نکردند، در آخر ما خواستار دولتی متشکل از سه حزب شده شدیم با آن پیش شرط ولی "پاسوک" نپذیرفت. و این شد که رئیس جمهور برای تشکیل کابینه به سراغ رفیق "فلوراکیس" صدر حزب کمونیست یونان رفت. ما ابتدا پیشنهاد کردیم که به همراه

دو حزب دیگر، دولت متولفه تشکیل دهیم و دستور کار را ابتدا بر افشا، دستگیری و محاکمه دزدان بگذاریم ولی "پاسوک" باز هم قبول نکرد. "نئو دمکراتیک" پذیرفت، ما برای آنها هم پیش شرط هائی گذاشتیم از جمله اینکه میجو تاکیس دبیر اول آن حزب در دولت هیچ نقشی نداشته باشد. و پست کلیدی وزارت دادگستری برای پی‌گیری قاطعانه در محاکمه دزدان به همراه دو وزارت خانه دیگر را در اختیار خود داشته باشیم.

پرسیدم: حالا مردم چه می‌گویند، نظرشان راجع به این اتحاد چیست؟

- بیشتر کمونیست‌ها با تاکتیک ما موافقت، اگر چه هستند کسانی که از این وضع ناراضیند بویژه در میان سازمان جوانان حزب، ولی مردم هادی همدا موافقت...
از او می‌پرسم چطور این دزدیها کشف شد؟
- پارسال وقتی سردسته دزدان "کسکوتاس" به آمریکا فرار کرد و باندش دستگیر شد، موضوع فاش گردید، البته پیش از آن هم مردم کم و بیش می‌دانستند، کسکوتاس اکنون در آمریکا در همین رابطه زندانی است و اطرافیان‌ش که از نزدیکان و دوستان پاپاندرئو بودند اکنون در آتن در زندان‌های اسنادیکی یکی دارد و می‌شود آنها با تکیه بر روابطی که مقامات بالای دولتی داشتند، نتوانستند چابیدند، منافعی ملی یونان را به قارت بردند، کسکوتاس در اینجا صاحب همه چیز بود، بانک معروف "کرت" استادیوم صد هزار نفری المپیک، تیم فوتبال "المپیاکوس"... آنها حتی در تهیه و فرستادن اسلحه برای ایران و عراق در طول جنگ دست داشته‌اند، سندش رفته شده...
النی مثال دیگری می‌زند:

- جالب است بدانی، سال گذشته در بازار مشترک اروپا مطرح شده بود که هرکس بیشترین تولید ذرت را داشته باشد، جایزه ویژه می‌گیرد، یونان ادعا کرد که بیشتر از همه دارد، وزیر کشاورزی آستین‌ها را بالا زد و از یوگسلاوی خروار خروار ذرت خرید و انبار کرد و همراه با محصولات داخلی یکجا تحویل بازار مشترک داد و جایزه‌اش را به جیب مبارک زد!

یورگوس می‌گوید:
نمونه‌های یکی دو تان نیست...
در خیابانهای آتن بازار بحث و

گفتگو داغ است، داغ تر از همیشه، در ضلع شرقی میدان "امرنیا" کنار راه پله‌های مترو، هدهای حدود ۳۰-۳۵ نفر در گروه‌های چند نفری باهم بحث می‌کنند، سر همدیگر داد می‌کشند، تو گوئی الان است که باهم گلاویز شوند، همه کاسه کوزه‌ها را سر "پاسوک" خورد می‌کنند. پاسوکی‌ها بسختی از خود دفاع می‌کنند. در این میان ازدواج پاپاندرئو که نزدیک به هفتاد سال سن دارد با دختری سی و پنج ساله و طلاق زن قبلی‌اش که سابقه مبارزاتی داشت، برای طرفدارانش تونز بالا تونز شده و آنها را در دفاع از پاپاندرئو شکننده تر کرده است. نئو دمکرات‌ها حسابی دور گرفته‌اند، آنها بی‌میل نیستند که ماهیت ضد دمکراتیک و ضد کمونیستی خود را آشکارا نشان دهند. آنها از جنبش نوسازی و پروستریکا در کشورهای سوسیالیستی و بویژه در اتحاد شوروی برداشت دیگری می‌کنند و آن را نتیجه به بن بست رسیدن سوسیالیسم می‌پندارند و به توممات توده‌ها دامن می‌زنند.

در پارک "زاپیون" هده بیشتری مشغول بحث و گفتگو هستند، پیر و جوان، زن و مرد... و مرابه یاد بحث‌های داغ سالهای ۵۸-۵۷ آنهم جلوی دانشگاه می‌اندازد.
در میدان اصلی شهر "سینگداگما" به محل کار سابقم سر می‌زنم. محل کارم یک فروشگاه بزرگ خرازی بود، و من در طبقه دوم آن "دکمه‌زنی" کار می‌کردم. کار راحت و مناسبی بود ولی چون اجازه کار نداشتم بعد از گذشت سه ماه مدیر فروشگاه با شرمندگی هذر مرا خواست. از پله‌ها بالا رفتم و وارد طبقه دوم آن شدم. "ماریا" از دیدن من یکه خورد. مشتری‌ها ابتدا به او و سپس به من خیره شدند. بعد "پانایوتیس" بود که مرا به اسم صدا کرد. مدتها بود که آنها از سر نوشت من بی‌اطلاع بودند.

ماریا دختری حدود ۳۰ ساله است، کارش سوراخ کردن کمربند و درست کردن گردن بند و دستبند با زنجیره‌های طلائی و نقره‌ای رنگ است. او هوادار "حزب کمونیست داخلی" است و همیشه از استقلال در تصمیم گیری این حزب دفاع می‌کرد و حزب کمونیست یونان را وابسته می‌خواند.
پانایوتیس مردی است حدود چهل و پنج ساله که کارش پذیرش

سفارش و درست کردن قلاب کمربند است او "پاسوکی" است او با سابقه ترین کارمند طبقه دوم بود.

با بقیه بچه‌ها هم چاق سلامتی کردم، چند تائی جدید بودند. از ماریا، نظارش را نسبت به اوضاع اخیر یونان پرسیدم. او که خوشحال به نظر می‌رسید گفت:

- خیلی خوب شد، بهتر از این نمی‌شد.
بعد در حالی که با انگشت شستش به پانایوتیس اشاره می‌کرد گفت:

... به هیکل خودشان!

ماریا دهانش لق بود و کسی حرفهای زشت او را به دل نمی‌گرفت.

بعد گفت:
- بین دوست عزیز، پاپاندرئو مثل خمینی شماست، خمینی تا زمانی که زنده بود همه کاره بود... پاسوک که حزب نیست، یک باند است که سر دست‌اش پیرمرد خرفتی چون پاپاندرئوست. بقیه هیچ کاره‌اند، تا زمانیکه پاپاندرئو را به خاک نسپردند و از سرخاکش برنگشته‌اند در میان پاسوکی‌ها کسی جرئت نمی‌کند سر بلند کند... پاپاندرئو درست مثل خمینی است.

پانایوتیس در حالیکه پشت دستگاه پرس کار می‌کرد گفت:
- راستی دیدی آخر چطور چپ و راست باهم یکی شدند!

لبخندی زد و ادامه داد:
- چپ و راست دولنگه یک شلوارند، ولی ما مستقیم هستیم؛ نه چپ و نه راست (یاد شعار نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی افتادم) از او پرسیدم نظرت نسبت به این دزدیها چیست؟ او سرش را بالا گرفت و گفت:

- این ربطی به پاسوک ندارد، هدهای دزدی کرده‌اند، این جور دزدیها در همه جای دنیا هم هست. هر کی دزدی کرده باید محاکمه شود.

ماریا پوز خندی زد و گفت:
- آخه سرخ اصلی پیش پاسوکیهاست.

ماریا از اتحاد چپ خوشحال بود و می‌گفت این وظیفه اصلی ماست که بحران و مشکل یونان را حل کنیم.

یونان منتظر پایان این دوره سه ماهه است. بعد از آن اگر توافقی برای تشکیل دولت ائتلافی دائم صورت نگیرد. انتخابات مجدداً برگزار خواهد شد.

چشم انداز قطع مداخله خارجی در افغانستان

این بین قرار است ظاهر شاه، پادشاه سابق افغانستان، نقش مهمی ایفا کند. خانم بوتو، به هنگام سفر خود به بنگلادش، برای اولین بار از گروه‌های شورشی خواست نه فقط به لحاظ نظامی فعالیت کنند بلکه به نزاع‌های درونی خود پایان داده، با دولت افغانستان وارد مذاکره شوند. ایالات متحده آمریکا نیز باورهای اولیه را از دست داده و هشیارتر شده است.

هواپی که به این تغییر روش منجر شده‌اند عبارتند از: ۱ - محاصره ناموفق جلال آباد توسط مجاهدین و شکست نظامی آن‌ها ۲ - منازعات و کشت و کشتارهای درونی شورشیان ۳ - افزایش شدید قاچاق مواد مخدر ۴ - افزایش اهمیت فرماندهای محلی که هر چه بیشتر از حیطه نفوذ وابستگی به رهبران در تبعید خارج می‌شدند - ۸۵ درصد این فرماندهان تا به حال با دولت

ورونتسوف، معاون وزیر خارجه شوروی در هنگام خروج واحدهای نظامی شوروی از افغانستان، در ماه فوریه، تلاش نمود دولت‌های پاکستان، ایالات متحده آمریکا و گروه‌های شورشی را به ایجاد یک حکومت ائتلافی وسیع متقاعد کند. رهبران گروه‌های شورشی متیم پاکستان تصور می‌کردند در عرض مدت کوتاهی همه افغانستان را فتح کنند و دولت کنونی را به زیر کشند. اما اکنون دولت پاکستان اعلام کرده است تا پایان این ماه مشترکا با اتحاد شوروی قطعنامه‌ای جهت پایان جنگ داخلی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه خواهد داد. مضمون این قطعنامه پیشنهادی، هر چند نه کلمه به کلمه، اما در رئوس خود از هم اکنون آشکار است. هدف ایجاد یک دولت وسیع گذار، از نیروهای مختلف سیاسی در کنار حزب دمکراتیک خلق، به رهبری دکتر نجیب‌الله است. در

افغانستان اعلام آتش‌بس کردند - اکنون برخی از نمایندگان کنگره آمریکا می‌خواهند این مسئله را طرح کنند که آیا ادامه صدور سلاح به مجاهدین سودمند است یا خیر. هر چند ایالات متحده رسماً بر پشتیبانی از مجاهدین تاکید دارد اما اقدامات مختلف گویای آن است که دولت آمریکا آقاز به تغییر استراتژی خود کرده است. در ماه گذشته فرستاده‌ای از دولت آمریکا، پادشاه سابق افغانستان را ملاقات کرد، اخیرا سازمان "سیا" تلاش کرده است صادرات تسلیحاتی آمریکا به شورشیان را از بالای سر رهبران تبعیدی در پیشاور، مستقیماً به فرماندهان و رهبران قبایل محلی در داخل افغانستان برساند. به این وسیله قرار است قدرت جناح بنیادگرای افراطی به رهبری حکمتیار، که تا کنون بیش از همه مورد پشتیبانی قرار می‌گرفت، تضعیف شود. در پاکستان نیز شرایط تغییر کرده است. خانم بی نظیر بوتو با پیشنهادات سازش خود هر روز بیش از روز قبل مجبور به یافتن گوش شنوا شده است.

قاچاق غیر قابل کنترل مواد مخدر و اسلحه و ۳ و نیم میلیون پناهنده افغانی، در کشوری که در جنوب آن منازعات ملی - قبیله‌ای قهرآمیز هر روز شدت بیشتری می‌یابد و ۸۵ درصد بودجه خود را صرف قروض و ارتش می‌کند، بر دوش این کشور سنگین می‌کنند و آن را بی ثبات می‌نمایند. بی نظیر بوتو پس از شکست جلال‌آباد موفق شد حمید گل، رئیس سازمان امنیت، را برکنار کرده و شخص دیگری را جایگزین او کند. با این وجود موقعیت بوتو در حکومت و در محافل ارتش هنوز به هیچ وجه تضمین شده نیست. وی برای موفقیت خود به ادامه پشتیبانی آمریکا دل بسته است. اکنون امکان آن وجود دارد که پس از توافق پاکستان و اتحاد شوروی، قطعنامه افغانستان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اکثریت آرا به تصویب رسد. این اولین قدم در راه پایان دادن به جنگ داخلی افغانستان - حداقل از نقطه نظر عوامل خارجی - خواهد بود.

"یک مسئله را باید در اقتصاد حل کرد، باید از همه مسابقه با کاسب ساده، سرمایه دار ساده و تاجر برآئیم. این‌ها نزد دهقانان رفته و با او اصلا در باره کمونیسم بحث نخواهند کرد بلکه استدلال خواهند نمود که: بفرمایید اگر قرار است چیزی تهیه شود بطور صحیح تولید و معامله شود، من البته کالاها را گران تمام خواهیم کرد اما آن‌ها از آنچه من ساخته‌ام شاید اگر ده برابر گران‌تر نسازند، اندکی گران‌تر تولید خواهند کرد. اینست آن تبلیغی که اکنون صورت می‌گیرد و اینست مسئله اصلی اقتصاد"

تصور این امر مشکل است که در هر موردی، بخاطر کمونیسم به جنگیم. هنوز هستند خروس‌های جنگی که بلد نیستند قیمت کالاها را بدرستی حساب کنند اما می‌خواهند ابتدا کنترل کنند که نکنند یک عضو شرکت سهامی در صد دنا بود کردن بنیان‌های سوسیالیستی ما باشند. به نظر می‌رسد هنوز زمان طولانی لازم داشته باشیم تا از مرض سیاست‌زدگی همه اجزاء زندگی شفا یابیم. همان مرضی که موجب شد حتی کروموزوم‌ها هم فقط بخاطر آنکه نه بوسیله دانشمندان کمونیست بلکه توسط دانشمندان بورژواکشف شدند در قفس حبس شدند. کار حتی به جایی رسید که با کروموزوم‌ها برای کمونیسم نزاع کنیم.

تاریخ ما را بخاطر انحراف از لنینیسم و بی‌توجهی به توصیه‌ها و هشدارهای لنین به سختی مجازات کرد. امروز پس از درس‌آموزی از تجارب تلخ و خونین پای آموزش لنین می‌نشینیم تا دگر بار اندیشه‌ها، توصیه‌ها و هشدارهای هوشمندانه او را بدون توجه نگذاریم. به نظر من بخت جریان‌نوسازی در همین نهفته است.

هنوز همه کودکان مجوزه در پوست انقلاب، شناسایی و نابود نشده‌اند. آن‌ها خوب فرا گرفته‌اند ظاهر خود را تغییر داده و نشان دهند که نه فقط ظاهر بلکه در درون نیز کمونیست‌ها و لنینیست‌های تمام هیاری هستند. اما دوران چنین افرادی سپری می‌شود. هر چه این سریعتر انجام گیرد به همان نسبت نیز لنینیسم از لوث وجود دومفربیان پاک می‌شود و ما به همان سرهت درک می‌کنیم که مفز دگرگونسازی همان لنینیسم است. ما سال‌ها تلاش کردیم برتری سوسیالیسم را با پرگویی سیاسی نشان دهیم. اکنون به عقیده لنین باز می‌گردیم: "باید توانایی سوسیالیسم را در عمل به ثبوت رساند". بار دیگر به مقاله "ابتکار بزرگ" رجوع کنیم. لنین در سوپوتینک‌ها هلال مهمی برای خصلت کمونیستی آن‌ها می‌دید: "... در چنین شرایطی این کارگران گرسنه در محیط تبلیغات خصمانه بورژوازی ضدانقلابی، منشویک‌ها و اس‌ا.ر.ها، سوپوتینک‌های کمونیستی را ایجاد می‌کنند و بدون دستمزد، اضافه‌کاری انجام می‌دهند و محصول اضافی عظیمی بدست می‌دهند. با وجودی که خسته، از پافتاده و بعلت سوء تغذیه ناتوان هستند. آیا این بزرگترین قهرمانی نیست؟ آیا این آقاز یک چرخش مهم تاریخی نیست؟"

بعدگاه مبارزه بر سر سیاست اقتصادی نوین در جریان بود، بعضی کمونیست‌ها به این نظر تمحیل شدند که فقط بخاطر اینکه خود را کمونیست می‌نامند به مراتب بالاتر از سرمایه‌دار می‌باشند. لنین این عقیده را بدرستی، تکبر کمونیستی نام گذارد. او در کنگره ۱۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی که در سال ۱۹۲۲ برگزار شد دائماً در تلاش بود بی‌فایده‌گی شهبه‌بازی با شعارهای سیاسی را نشان دهد:

"کودکان عجوزه، پوست انقلاب را به تن کردند"

بقيه از صفحه ۷

آشکار و صادقانه باشد، بگذار به پیش برود. هیچکس نباید جلو دهان دیگری را بگیرد و یا عقاید خود را به او تحمیل کند. باید مبارزه ایدئولوژیک و استدلال‌های متفاوت وجود داشته باشند.

اما اکنون دوران دشواری را پشت سر می‌گذاریم. دورانی دشوار اما همچنین زیبا. تاریخ، دوباره اندیشه‌های کمونیستی را فرا می‌خواند که به پیش‌روند و برتری خود را بر سایر ایدئولوژی‌ها اثبات کنند. اما نه با اغراضی سیاسی، نه با قسم و آیه‌های بی‌پایان ارتودوکس مآبانه بلکه بسان آموزش لنین، با عمل واقعی زنده. ما اعتقاد به کمونیسم را در قلب خود پاس می‌داریم و اعلام می‌کنیم که اندیشه‌های کمونیسم نه فقط تجار بکار برده نشده بلکه حتی بخش کوچکی نیز از توانایی‌های آن، تاثیر خود را بر جای نگذاشته است. در این خصوص نوشته می‌خایل اوربون وجدآور است: "جنبش کمونیستی مثل سابق نیروی اصلی سیاسی است که در مقابل سیستم استثمارگری اترناتیو واقعی ارائه می‌کند".

ما می‌خواهیم لنینیسم تحریف نشده را بشناسیم. بنابراین با تبدیل دوباره لنین به پیغمبر مخالفیم. لنین زنده و اصلی نیز دچار اشتباه شده او هم چیزهایی را نمی‌دانست و قادر بود تصمیمات نادرستی اتخاذ نماید. بنابراین پیروی از لنین به معنای کپی‌کردن همه گفته‌های او نیست و معنای یافتن پاسخ‌های دقیق و تمام و کمال به همه مسائل بفرنج زندگی امروز هم نیست. پیروی از لنین یعنی تکامل لنینیسم. اما برای تکامل لنینیسم باید سرچشمه را خوب شناخت.

کنگره

حزب سوسیالیست کارگری مجارستان

بقیه از صفحه آخر

فعالانه مشارکت کند. در برنامه گفته می شود: "سوسیالیسم، به وسیله نسخه برداری از قالب های شوروی، تغییر ماهیت داده بود. حزب به مثابه یک جنبش سیاسی موجودیت خود را در اساس از دست داده بود" ح. س. م. در حیطه سیاست خارجی به راه یک "مجارستان مستقل" قدم خواهد گذارد. در همین حال این حزب تاکید می کند "روابط با اتحاد شوروی، یکی از اجزای مهم سیاست خارجی" باقی خواهد ماند.

ایمره پوتسگای، وزیر کشور و یحیی ار برجسته ترین اصلاح طلبان رادیکال، در این خصوص گفت "برنامه جدید بر برنامه چپ ها اروپایی و تاریخ جنبش سوسیالیستی مبتنی است" و آن را به مثابه "گارت هویت نوین" قلمداد کرد. به علاوه کنگره تحلیلی درباره تاریخ بعد از جنگ مجارستان از سال ۱۹۴۸ تحت عنوان "راه تاریخی ما" تصویب کرد که در آن حوادث سال ۱۹۵۶ که تاچندی پیش "ضد انقلابی" قلمداد می گردید، بعنوان "قیام مردم" ارج گذاشته شد.

در اساسنامه جدید بجای مثبتی سیاسی و کمیته مرکزی، به مثابه ارگان های رهبری یک کمیته رهبری با ۱۷ الی ۲۱ عضو و یک کمیته ملی با ۱۶ عضو جایگزین شده است. بالاخره کنگره ح. س. م. با انتخاب ارگان های رهبری به کار خود پایان داد. ۱۵۶۵ نفر از ۱۲۷۶ نماینده دارای حق رای رتسو نیرس، اقتصاددان و یک اصلاح طلب معتدل را به ریاست حزب جدید انتخاب کردند. نیرس از ماه ژوئن رئیس ح. س. م. بود. میخائیل گارباچف طی پیام تبریکی، برای او آرزوی موفقیت کرد و خواستار همکاری خوب و موفقیت آمیز بین حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب سوسیالیست مجارستان شد. رهبری نوین حزب شامل ۲۴ نفر نیز از میان اصلاح طلبان رادیکال و معتدل برگزیده شد. هیچ کدام از مواداران "فراکسیون سنتی" در رهبری انتخاب نشدند. همان طور که انتظار می رفت ایمره پوتسگای،

میلکوس نمت نخست وزیر، و گیولاهورن وزیر خارجه، از میان اصلاح طلبان رادیکال نیز جز و رهبری جدید هستند. بنا به اخباری از محافل کنگره به هنگام انتخاب رهبران جدید، میان اصلاح طلبان رادیکال و اصلاح طلبان معتدل مباحثات تنیدی در گرفت.

از جانب نیروهای "سنتی" حزب، مشروعهت تحولاتی که در کنگره صورت گرفت زیر علامت سؤال است. این محافل نقطه هزیمت خود را ادامه موجودیت حزب سوسیالیستی کارگری مجارستان قرار داده اند و در تحولات اخیر انشعاب را می بینند. دبیرکل قبلی ح. س. م.، کارولی کروتس، که به هواداری از اصلاحات معتدل شهرت داشت، و نقش قاطعی در برکناری یانوش کادار در سال گذشته ایفا کرد و آغازگر روند تحولات کنونی محسوب می شود، مصوبات اخیر را غیر قابل پذیرش قلمداد کرد و اعلام نمود که به هیچ وجه به حزب جدید وارد نخواهد شد.

یانوش برستس دبیر سابق کمیته مرکزی و تئوریسین حزب در زمان کادار تاکید کرد "کماکان عضو ح. س. م. باقی خواهم ماند، همانطور که تعداد کثیری از اعضای حزب، عضو حزب مزبور می مانند و تبدیل ح. س. م. رابه ح. س. م. به رسمیت نخواهند شناخت"

روبرت ریبانسکی، عضو سابق کمیته مرکزی ح. س. م. که سکرتر کادار بود، گفت حزب مزبور به حیات خود پایان نداده است. وی اعضای حزب را فراخواند در ح. س. م. "که فقط در پی احیای سرمایه داریست" وارد نشوند بلکه عضو حزب قبلی باقی بمانند و با هم نظران خود متشکل شدند.

نیرس، رئیس ح. س. م.، در مورد تعداد احتمالی اعضای حزب جدید گفت ممکن نیست بتوان گفت از میان ۷۲۵۰۰۰ عضو ح. س. م. چند نفر به ح. س. م. انتقال خواهند یافت. اعضای حزب تا روز ۳۱ اکتبر فرصت انتخاب خواهند داشت. به عقیده وی ۵۰ الی ۷۰ درصد اعضای حزب قدیم به حزب نوین خواهند پیوست.

درباره رویدادها

در جمهوری دمکراتیک آلمان

بقیه از صفحه آخر

دولتی ح. د. آ.، ارایش هونکر، در پیام خود به مناسبت چهلمین سالگرد تشکیل جمهوری اظهار کرد، همه اهالی ح. د. آ. فراخوانده شده اند، اندیشه ها و پیشنهادات خود را درباره چگونگی پیشرفت آتی سوسیالیسم در دهه ۹۰ ارائه کنند.

ما می خواهیم مشترکادر مورد همه مسائل پایه ای جامعه خود که باید امروز و فردا حل شوند، مشاوره کنیم. ما می خواهیم مشترکا پاسخ چگونگی برخورد با مسائل دهه آتی را بر وفق آرمان های انسانگرایانه سوسیالیسم بجوییم. ما می خواهیم مشترکا میهن خود را چنان شکل دهیم که نیازهای رشد یابنده مادی و فرهنگی هر فرد در انطباق با کارایی های او هر چه بیشتر برآورده شود. مسئله بر سر وحدت سیاست اقتصادی و اجتماعی و توانایی اقتصادی و فواید آن برای عموم است. مسئله بر سر تشریک مساعی دمکراتیک، همکاری فعالانه، هر ضه کافی کالا و دستمزدها دلانه، امکانات مسافرت و میحطزبست سالم است. مسئله بر سر نقش جمهوری ما در تامین امنیت و صلح جهانیست. در یک کلمه، مسئله بر سر همه آن چیزهاییست که خدمت رفاه مردم باشد. ما می خواهیم مشترکا در یک جمهوری مقتدر دمکراتیک آلمان از آستانه قرن آتی گذر کنیم ...

ما خود را وقت مباحثه می کنیم.

امروز بیش از هر زمانی همکاری مبتنی بر اعتماد جهت یافتن پاسخ های مشترک مسائلی که بسیاری را مشغول کرده و همه را بر گرفته اند ضروریست. پاسخ هایی که به سود همه ما هستند. این پاسخ ها را نمی توان در گذشته سرمایه داری یافت. سوسیالیسم در خاک آلمان قابل بذل و بخشش نیست. خلق جمهوری دمکراتیک آلمان برای همیشه سوسیالیسم را انتخاب کرده است. بر وفق چنین روحی دست به کار شویم و از این تجربه مدد بگیریم که سوسیالیسم تنها می تواند دستاورد تلاش همگانی باشد.

قراردادها را خواهد شکست و حقوق بشر را نادیده خواهد گرفت. نیروهای امپریالیستی گمان بردند با چهلمین سالگرد تشکیل جمهوری دمکراتیک آلمان موثعبت مقتضی را پیدا کرده اند تا با یک کارزار مبنی بر نفرت در مطبوعات خود تردید به سوسیالیسم و دورنمای آن را اشاعه دهند. آن ها می خواهند مسئله اصلی دوران ما، یعنی تضمین صلح را منحرف کنند. آن ها بر آنند که منافع مبارزه مشترک خلق ها برای حل مسائل عموم بشری تضعیف شود.

قبل از هر چیز می خواهند اصلاح ناپذیری و نیازمندی خود به اصلاحات را در پشت پرده پنهان کنند. خواب های آلمان بزرگ که از سر چشمه های انتقامجویانه کهن و نئوفاشیستی سیراب می شوند شانس نمی خواهد داشت. هوام فریبی، تطبیع و باج خواهی، روش های جدیدی نیستند. تاریخ روابط دو دولت آلمان اثبات این مدعاست. هدف هم مثل سابق تفسیر نظام صلح اروپا به وسیله حذف سوسیالیسم از خاک آلمان است ...

ما در آینده نیز اجازه نخواهیم داد قدرت کارگران و دهقانان، ارزش ها، آرمان ها و دست آوردهای سوسیالیسم از بین برود. این را تعهد ما نسبت به حال و آینده اطمینان بخش مردم، از ما مطالبه می کند. صدها هزار انقلابی آلمانی، میهن پرستان سرازراز آلمانی، میلیون ها قربانی فاشیسم و میلیتاریسم ما را متعهد به این امر کرده اند.

بنابراین اکنون لازم است همه آنهایی که هملشان توام با فهم سیاسی و احساس مسئولیت انسانی در قبال مردم کشور ما است، با کسانی که در تلاشند از مردم برای حملات ضد انقلابی سواستقا کنند مرز بکشند. ما مسائل تکامل آتی سوسیالیسم در آلمان دمکراتیک را، خودمان - در مباحثه هریان و تشریک مساعی مبنی بر اعتماد - حل می کنیم

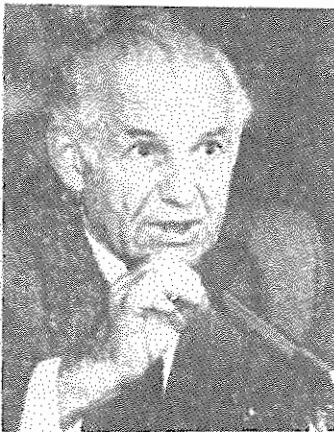
حزب متحده سوسیالیست آلمان دوازدهمین کنگره خود را فرا خوانده است. همانگونه که دبیر کل ح. س. م.، و رئیس شورای

کنگره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان

در این کنگره نام حزب

به "حزب سوسیالیست مجارستان"

تبدیل شد



رستونیرس

برنامه جدید خود را تصویب کرد. در برنامه جدید، هدف اصلی ح.س.م. "گذار گام به گام مسالمت آمیز به سوسیالیسم دمکراتیک" اعلام شده است. مجارستان باید به یک "سیستم چند حزبی قانونا تضمین شده" تبدیل شود که در آن "قدرت از اراده مردم، که در یک انتخابات آزاد بیان می شود، برخیزد". علاوه تاکید شده است که ح.س.م. می خواهد "پیشداوری های منجمد" را نسبت به مالکیت خصوصی از میان بردارد. در برنامه آمده است: "مالکیت خصوصی یکی از نیروهای محرکه فیرقابل اغماض برای رشد اقتصادیست". در همین حال دولت نیز باید در اقتصاد بقیه در صفحه ۱۱

کنگره فوق العاده حزب سوسیالیستی کارگری مجارستان (ح.س.م.) به کار خود پایان داد. اکثریت قاطع نمایندگان کنگره به تغییر نام حزب و اتخاذ یک سمت گیری نوین براساس سوسیالیسم دمکراتیک رای دادند. به این ترتیب نیروهای اصلاح طلب در حزب، که خود به دو جناح رادیکال و معتدل تقسیم می شدند، پس از مباحثات طولانی به پیروزی رسیدند. ح.س.م. از این پس حزب سوسیالیست مجارستان (ح.س.م.) نام خواهد داشت. این حزب خود را دیگر نه "حزب کارگری" بلکه یک "حزب خلقی" با سمت گیری سوسیالیسم دمکراتیک تلقی می کند. اهداف حزب جدید، برقراری یک حکومت پارلمانی، بازگشت از سیستم تک حزبی، حفظ حقوق بشر، کاربست اقتصاد بازار اعلام شده است. این حزب می خواهد در انتخابات آینده در مبارزه انتخاباتی با سایر احزاب شرکت کند و حاضر است در صورت شکست در انتخابات اپوزیسیون حکومت باشد. از بین ۱۳۵۲ نماینده حاضر در کنگره، بیش از ۱۵۰۰ نفر به این تصمیم جدید رای دادند. اعضای حزب سابق سوسیالیستی کارگری مجارستان تا ۳۱ ماه اکتبر فرصت دارند تا در مورد عضویت در حزب جدید تصمیم بگیرند. ح.س.م. در کنگره، اساسنامه و

یونان در آستانه انتخابات پارلمان

سخنگوی مطبوعاتی اتحاد چپ در این کشور، مصاحبه ای انجام داده است که مابه درج آن می پردازیم: بقیه در صفحه ۸

یونان در تدارک انتخابات پارلمانی خود است. این انتخابات روز ۵ نوامبر برگزار می شود. نشریه مصر ما با دیمیتری ماراکاس،

درباره رویدادها

در جمهوری دمکراتیک آلمان

حضور مهمانان کثیری از همه جهان، بیانگر جایگاه پرارج کشور مادر جامعه ملل است. اراده سیاسی حزب ما مبنی بر بنای یک زندگی اطمینان بخشی برای همه، در طی چهاردهه عمر جمهوری دمکراتیک آلمان به خواسته آگاهانه میلیون ها زحمت کش شهرووستا تبدیل شده است. جمهوری ما در این تشریک مساعی تکامل یافت. همین تشریک مساعی مایه قدرت ماست.

سوسیالیسم به همه نیازمند است. این نظام برای همه جا، و دورنما دارد. سوسیالیسم آینده نسل های رشیدیابنده است. درست به همین خاطر، این امر که انسان هایی که در اینجا کار و زندگی کرده اند، جمهوری دمکراتیک آلمان را ترک می کنند، برای ما هلی السویه نیست. بسیاری از آنان دامن میهن سوسیالیستی و آینده ای مطمئن برای خود و فرزندان خویش را رها کردند. آنان در کشور ما بزرگ شدند، در اینجا تخصص حرفه ای کسب کردند و درآمدی خوب داشتند. آن ها صاحب دوستان، همکاران و همسایگانی بودند. آن ها صاحب میهنی بودند که به آنان نیاز داشت و به آن نیاز داشتند. همل اقدام آن ها جنبه های گوناگون دارد. ما باید این همل را نزد خود جستجو کنیم و خواهیم کرد. هر یک از ما در جای خود و همه ما مشترکا باید این کار را انجام دهیم. بسیاری از کسانی که در ماه های اخیر به جمهوری ما پشت کردند قربانی تحریکی که وسیعا زمینه سازی شده بود گشتند. باز هم تایید شد که امپریالیسم در آلمان فدرال هرگز با یک کشور سوسیالیستی در خاک آلمان سازگار نخواهد شد،

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب متحده سوسیالیست آلمان در روز چهارشنبه گذشته، بدنبال ناآرامی های اخیر جمهوری دمکراتیک آلمان، موج خروج تعداد زیادی از اتباع این کشور و افزایش درخواست برای اصلاحات اعلامیه ای صادر کرد. که نظر به اهمیت این اعلامیه، و برای آگاهی خوانندگان از مواضع حزب متحده سوسیالیست آلمان به درج مهمترین بخش های آن می پردازیم:

در چهلمین سالگرد تشکیل جمهوری دمکراتیک آلمان، ما بلاواسطه به طبقه کارگر، دهقانان، دانشمندان، هنرمندان و همه اثرینندگان معنوی، به جوانان، وابستگان به ارگان های امنیتی و همه اهالی جمهوری دمکراتیک آلمان رجوع می کنیم. هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب متحده سوسیالیست آلمان از همه آن هایی که سوسیالیسم را در خاک آلمان آفریده اند و چهلمین سالگرد پیدایش جمهوری دمکراتیک آلمان را تدارک دیده اند درود می فرستد.

جمهوری دمکراتیک سوسیالیستی آلمان محصول مجموعه خلق است. این جمهوری به وسیله کار شمروندان خود، نسل های با تجربه و جوان ها، با بحث تشریک مساعی، تصمیم و مسئولیت مشترک آن ها رشد کرده است. ما جمهوری سوسیالیستی را مشترکا بنا کرده ایم و از موجودیت آن، به مثابه قدرت کارگری - دهقانی، مشترکا در آزمون های سخت پاسداری نموده ایم. ما رزمندگان مصمم صلح هستیم و خواهیم بود.

ما با دوستان و همزمان خوب، توانستیم چهلمین سالگرد تشکیل جمهوری دمکراتیک آلمان را بنصو باشکوه برگزار کنیم.

بقیه در صفحه ۱۱

AKSARIYAT
NO. 279
MONDAY, 16 OCT 89

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی
AUSTRIA WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701. 650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید